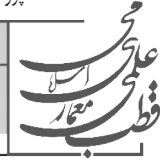


## تحلیل معنا در معماری مسکن سنتی ایرانی با تاکید بر نقش نشانه‌ها (نمونه موردی: مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک)



### مرضیه اعتمادی پور \*

دکتری معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، دانشکده معماری و شهرسازی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۱

### چکیده

بیان مسئله: توجه به وجوه هویتی معماری مسکن، در گرو تقویت ابعاد معناشناختی در طراحی از جمله بهره‌گیری از اصول معماری مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک است. از سوی دیگر بهره‌گیری از نشانه‌ها از طریق توجه به خوانش ذهنی مخاطبان، از بهترین راهکارها در معنادهی به اثر محسوب می‌شود. این درحالی است که به نظر می‌رسد کم‌توجهی به مفاهیم معنامحوری چون ادراک یا خوانش ذهنی مخاطبان، در مسکن‌های امروز تحت تاثیر عواملی مانند اقتصاد و یا سطحی‌نگری در طراحی‌ها قرار گرفته و تضعیف شده است؛ چرا که در سطوح آموزشی و اجرایی طراحی، عموماً نقش مخاطب در رابطه با محیط کم‌رنگ است. بنابراین نگرش عملی به معناگرایی از طریق استخراج وجوه بهره‌گیری از نشانه‌ها در مسکن سنتی، نیاز تحقیقاتی محسوب می‌گردد که پژوهش درصدد است تا با پاسخ‌گویی به پرسش «چگونگی نقش نشانه‌ها در وجوه معنایی مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک ایران»، در راستای مرتفع نمودن آن اقدام نماید.

هدف تحقیق: هدف پژوهش، استخراج اصول معناگرایی از باب نشانه‌شناسی، جهت بهره‌گیری در طراحی مسکن معاصر در راستای توجه بیش‌تر به ابعاد هویتی و معنایی محیط‌های زندگی امروز است. روش تحقیق: پژوهش در قالب روش‌های «سندکاوی» و «تحلیل محتوای کیفی» تحقق یافته است. در روش تحلیل داده‌ها، به ارزیابی وضعیت انطباق‌پذیری مولفه‌های موثر بر خوانش ذهنی با سطوح نشانه به صورت بررسی نمونه‌ها در حوزه مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک ایران پرداخته می‌شود. محقق درصدد آن است تا نمونه‌های مورد مطالعه از خانه‌های سنتی شهر کاشان، از ویژگی‌های مشترک اغلب مسکن‌های سنتی به جا مانده در اقلیم مذکور بهره‌مند باشد. بر این اساس سطوح نشانه، شامل «نمایه»، «نماد» و «شمایل» در ارتباط با ریزمولفه‌های «مکانی»، «انسانی» و «زمانی» موثر بر خوانش ذهنی تحلیل می‌شوند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج، در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک، از «شمایل»، «نمایه» و «نماد» به عنوان محملی جهت بیان معانی از طریق انطباق با مولفه‌های انسانی، محیطی و زمانی موثر بر خوانش ذهنی کاربران، استفاده می‌گردیده است. بنابراین یکی از راهکارهای موثر در طراحی مسکن معنامحور، بهره‌گیری طراحان از ریزمولفه‌های «عملکرد»، «کالبد»، «مقیاس»، «سابقه تاریخی»، «تجربه فردی»، «رویداد اجتماعی»، «عوامل فیزیولوژیکی و روان‌شناختی»، «رفتارهای فردی و اجتماعی» مخاطبان و نیز توجه به «مولفه‌های موثر بر حس تعلق به مکان و اجتماع» در قالب سطوح مختلف نشانه در طراحی است.

واژه‌های کلیدی: مسکن سنتی کاشان، نشانه، شمایل، نمایه، نماد.

## ۱. مقدمه

یکی از مفاهیم موثر بر هویت معماری، «معنا» است و در راستای هویت‌مندی جامعه معماری می‌بایست بیش از پیش به مفهوم «معنا» پرداخت. مسکن به‌عنوان محمل زندگی انسان نیازمند نگرش ویژه در حوزه معناگرایی است تا زمینه‌ساز تأمین آسایش ساکنان باشد. این در حالی است که به نظر می‌رسد کم‌توجهی به مفاهیم معنامحوری چون ادراک یا خوانش ذهنی مخاطبان، در مسکن‌های امروز تحت تأثیر عواملی مانند اقتصاد و یا سطحی‌نگری در طراحی‌ها قرار گرفته و تضعیف شده است. چرا که در سطوح آموزشی و اجرایی طراحی، عموماً نقش مخاطب در رابطه با محیط کم‌رنگ است. بنابراین در راستای هویت‌مندی و معناداری بیش‌تر معماری مسکن، استفاده از اصول نشانه‌شناسی، به‌عنوان یکی از بهترین راهکارها در معنادهی به‌فضا و توجه به مخاطب محسوب می‌شود. از آن‌جا که بهره‌گیری از الگوهای موفق معماری گذشته، به‌عنوان عامل موثر دیگری در تقویت هویت محسوب می‌گردد؛ یافتن الگوهای مسکن ایرانی و بهره‌گیری از اصول آن در مسکن معاصر، با توجه به نیازها و شرایط روزآمد، ضروری به‌نظر می‌آید. در این نوشتار، مسکن در اقلیم گرم و خشک، در جایگاه یکی از مهم‌ترین الگوهای معماری سنتی ایران، به‌عنوان نمونه موردی و در راستای استخراج الگوهای بهره‌گیری از نشانه‌ها در راستای انطباق طراحی با خوانش مخاطبان مورد پژوهش واقع می‌گردد. پیشینه پژوهش عمدتاً بر یافتن الگوهای کالبدی و یا اصول معنایی از دیدگاه‌های غیرنشانه‌شناختی در مسکن ایرانی اشاره دارد، بنابراین نیاز به پژوهش در زمینه استخراج الگوهای بهره‌گیری از نشانه‌شناسی در راستای انطباق طراحی با خوانش مخاطبان محسوس است. در راستای پوشش این نیاز، پژوهش درصدد است تا چگونگی انطباق‌پذیری سطوح نشانه‌شناسی با مولفه‌های موثر بر خوانش ذهنی را در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک جست‌وجو نماید. «چگونگی نقش نشانه‌ها در وجوه معنایی مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک ایران»، به‌عنوان پرسش پژوهش مطرح می‌گردد. از آن‌جایی که تحقیق به جست‌وجوی تأثیر نشانه بر معنا در طراحی مسکن سنتی است؛ «نشانه» متغیر مستقل و «معنا» در طراحی مسکن «متغیر وابسته» است. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر «بهره‌گیری از سطوح نشانه در معنای معماری مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک نقش داشته

است» خواهد بود. هدف پژوهش، استخراج راه‌کارها و الگوهای بهره‌گیری از نشانه‌ها در راستای انطباق معماری با خوانش مخاطبان، جهت بهره‌گیری در طراحی مسکن معاصر و در راستای توجه بیش‌تر به ابعاد هویتی و معنایی محیط‌های زندگی امروز است.

## ۲. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در سه حوزه «معناگرایی با تأکید بر مفهوم خوانش»، «نشانه‌شناختی» و «مسکن ایرانی» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هریک از پژوهشگران در باب چستی معناشناختی بر بخشی از عوامل موثر بر تصاویر ذهنی مخاطبان پرداخته‌اند. یکی از جدیدترین و کامل‌ترین نمونه‌های این تحقیقات با عنوان مقاله «ارائه مدل مفهومی از خوانایی با تکیه بر تصور ذهنی» است. در این پژوهش نظیف و مطلبی به جمع‌آوری و معرفی جامع عوامل موثر بر مفهوم ادراک یا خوانش پرداخته‌اند که خود حاصل جمع‌آوری اندیشه‌های نظریه‌پردازان این حوزه است. بر این اساس معرفی عوامل در قالب سه گروه از عوامل «انسانی»، «زمانی» و «محیطی» ارائه شده است.

پژوهش‌های مرتبط با نشانه‌شناسی عمدتاً بر لغت‌شناسی متمرکز شده است (وربروگن<sup>۱</sup> ۲۰۱۴، ۲۳۱). بخشی از پژوهش‌های اخیر در حوزه دانش نشانه‌شناسی بر لزوم بهره‌گیری از آن در معماری تأکید دارند. برخی دیگر نیز به تدقیق چستی ابعاد نشانه و حوزه نمود آن در معماری اشاره دارند. یکی از جدیدترین منابع در این زمینه مقاله «تدقیق و تحدید حوزه شمول و نمود نشانه‌ها در معماری» است. عینی‌فر و باقری در این پژوهش به تبیین دسته‌بندی سطوح نشانه می‌پردازند که براساس نظریات اندیشمندان گردآوری شده است. بر این اساس سه دسته اصلی و کلی «شمایل»، «نمایه» و «نماد» به‌عنوان سطوح نشانه تبیین شده‌اند.

با عنایت به پیشینه تحقیقات در حوزه مسکن معناگرا، عمدتاً بر یافتن علل افت تنزل کیفیات معنایی در مسکن معاصر و نیز عوامل معناساز در معماری ایرانی اشاره شده است. این در حالی است که عوامل معناگرایی تبیین شده در مسکن ایرانی، تاکنون از دیدگاه توجه به اصول نشانه‌شناسی و خوانش مخاطبان، صورت نگرفته است. از سوی دیگر آن‌چه از پیشینه تحقیق نمایان است؛ پرداختن به حوزه‌های نشانه و ادراک، در سطح نظری است و تاکنون



که موجودیت نشانه درگرو زمان و تحت تأثیر انسان و وجود او استنباط می‌شود (دیلی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵، ۳۳). نشانه‌شناسی، علمی است که به ادراک و تجزیه و تحلیل علائم و نمادها در همه اشکال و جنبه‌ها می‌پردازد (فلامکی و غفاری ۱۳۹۵، ۳۴۱).

تقسیم‌بندی نشانه‌ها به شیوه کاربرد آن و بافت‌های خاص کاربردشان وابسته است. نشانه‌ها در معماری قابل تفکیک به سه دسته «شمایل»، «نمایه»، و «نماد» است. «شمایل» دارای دلالت صریح است. حجم زیادی از بناهای معماری دارای بعد معنایی سطحی و محسوس در ظاهر هستند. این کشف معنا در ظاهر، ممکن است در نمای بیرونی، مقاطع، پلان و یا پرسپکتیوها صورت پذیرد (باقری و عینی‌فر ۱۳۹۵، ۲).

در تشخیص تفاوت‌های نمایه و نماد به چهار موضوع باید توجه نمود. اولین شاخصه نماد، حوزه شمول آن در معماری است که آن‌را صرفاً در محدوده «معماری برای ادراک» تعریف می‌کند. دومین عامل، وابستگی شدید معماری نمادین به متن و بستر شکل‌گیری آن برای جلوه‌گر شدن هرچه بیش‌تر معنای بنا است. سومین تفاوت در کثرت معنای دریافتی از نمایه و وحدت معنا از نماد توسط ادراک‌کننده معماری است. چهارمین تفاوت نمایه و نماد میزان صراحت و کشف‌پذیری معنا در آن‌ها خواهد بود که نماد دارای کم‌ترین میزان صراحت در انتقال مفاهیم است (سخت‌دوست و البرزی ۱۳۹۷، ۸۵). ویژگی‌های اصلی شمایل، نمایه و نماد در جدول ۱ آمده است.

تحقیقی در زمینه چگونگی کاربرد عملی نشانه‌ها از طریق تحلیل نحوه انطباق مولفه‌های موثر بر خوانش ذهنی مخاطب صورت نگرفته است.

### ۳. مبانی نظری

معنا برآیندی از عوامل متفاوتی است که در نتیجه تعامل انسان و مکان حاصل می‌گردد (اعتمادی‌پور و مهدی‌نژاد ۱۴۰۰، ۲۶) که از طریق پیام‌های عناصر مختلف موجود در فضا صورت می‌پذیرد (ترایب<sup>۲</sup>، ۱۹۷۴، ۳۴). طراحی، «تنها برای پاسخ به عملکرد»، نمی‌تواند به اموری چون هویت، پاسخ‌گو باشد. برای متجلی کردن هویت در معماری، طراحی باید تامین‌کننده نیازهای ادراکی باشد و این هدف با روند معناشناختی ممکن می‌شود (آلستون<sup>۳</sup>، ۱۹۶۷، ۸۱).

برای درک واقعی یک بنای معماری که همان معنای آن است؛ باید مفهوم اولیه به وجود آورنده آن را درک کرد. درک این رابطه دلالت‌گری بین «مفهوم» به عنوان دال و «معماری» به عنوان مدلول در گرو نشانه‌شناسی است (دباغ و مختاباد ۱۳۹۳، ۳۱). بنابراین، معناشناسی در معماری، ارتباطی تنگاتنگ با نشانه‌شناسی دارد. به عبارت دیگر معماری، به عنوان یک سیستم نشانه‌ای، می‌تواند ارتباط معنایی آشکار با مخاطبان برقرار نماید (رودی<sup>۴</sup> و دیگران ۲۰۱۹، ۶۵۵). نشانه‌ها به تنهایی، فاقد معنای درونی هستند و معنای آن‌ها در گرو نحوه ارائه و استفاده ما از آن‌ها است (فرایدمن<sup>۵</sup> و تلفسن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵، ۶۵۳). در نگاهی هستی‌شناسانه به ماهیت نشانه‌ها می‌توان اظهار داشت

جدول ۱. انواع نشانه‌شناسی در معماری (مأخذ: باقری و عینی‌فر ۱۳۹۵، ۸)

انواع نشانه در معماری	بعد ظاهری / معنایی	شاخصه بین دال و مدلول	نوع دلالت	حوزه نمود نشانه در معماری
شمایل	تصویر	بعد ظاهری	رابطه تشابه تصویری	جزئیات در معماری
	نمودارها	بعد معنایی	رابطه قیاسی	ابزارهای معرفی معماری
	استعاره محسوس	بعد معنایی	شباهت صوری صریح بدون نیاز به تاویل	معماری پاسخ‌گو به عملکرد و ادراک
نمایه	استعاره ترکیبی	بعد معنایی عمیق و غیرمحسوس	رابطه مشابهت مبتنی بر استعاره بین مولفه‌ها	-
نماد	با واسطه	بعد معنایی	رابطه قراردادی	معماری پاسخ‌گو به نیاز ادراکی
	بی‌واسطه		دال = مدلول	





عینی و قابل درک تبدیل می‌کند؛ ساختارهای کالبدی است (فلاح و شهیدی ۱۳۹۴، ۳۱). از دیدگاه این افراد، سه عامل «کالبد»، «مقیاس» و «عملکرد» فضا، سه کنترل کننده موثر بر شکل‌گیری تصویر اولیه ذهن از محیط است (لینچ ۱۳۹۳، ۴۲).

پیرامون مولفه‌های «انسانی» موثر بر خوانایی اثر می‌توان گفت اگرچه فرآیند شکل‌گیری تصور ذهنی در افراد دارای شباهت‌های کلی است اما به سبب تفاوت‌های ادراکی متأثر از ذهن، جنسیت و نیازهای افراد، نقشه‌های شناختی متفاوتی در ذهن اشخاص شکل می‌گیرد. «اپیلارد»<sup>۱۱</sup> با بیان این‌که محیط اطراف تنها در نقش فرستنده اطلاعات محیطی است؛ عنوان می‌کند که این انسان است که براساس شخصیت، هویت، اهداف، تجارب و ارزش‌های خود این اطلاعات را درک می‌کند. عوامل «فیزیولوژیکی»، «روان‌شناختی»، «رفتار جمعی و فردی»، «حس تعلق به مکان»، و نیز «حس تعلق به اجتماع» به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های انسانی موثر بر تصویر ذهنی شناخته می‌شوند (اپیلارد ۱۹۶۹، ۱۳۵). مهم‌ترین مولفه‌های موثر بر مفهوم خوانش از طریق عوامل سازنده تصاویر ذهنی در تصویر ۱ بیان گردیده است.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای ادراک و بکارگیری عملی نشانه‌شناسی در طراحی، آشنایی با مفهوم خوانش ذهنی و بهره‌گیری از عوامل موثر بر آن است (الکساندر<sup>۸</sup> ۲۰۱۳، ۲۶۶). خوانش، مفهومی ذهنی ادراکی و چندبعدی است و سنجش آن تنها براساس شاخصه‌های فیزیکی یک محیط کالبدی، امکان ادراک همه جانبه به مخاطب را نخواهد داد (شریف<sup>۹</sup> و نجفی<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۱، ۱۰۵۷). از آن‌جا که معیار تعامل فرد با محیط پیرامونی، تصور ناظر از آن مؤلفه‌هاست؛ تصور ذهنی جامع که از محیط در ذهن ناظر ایجاد می‌شود؛ شامل مولفه‌های «مکانی»، «زمانی» و «انسانی» است. زمان، در تمام جنبه‌های طراحی، از قبیل چگونگی درک محیط، اهمیت مکان‌ها به واسطه سابقه و معنای تاریخی، اهمیت دارد. تحلیل چگونگی توسعه تصور ذهنی، از آن‌جایی که یک فرآیند ادراکی پویاست؛ نیازمند تحلیل در طول زمان است. مهم‌ترین مولفه‌های زمانی موثر بر تصویر ذهنی، «سابقه تاریخی»، «تجربه فردی» و نیز «رویداد اجتماعی» است (نظیف و مطلبی ۱۳۹۸، ۷۴). صاحب‌نظرانی چون لینچ، قابلیت شناسایی یک فضا را مرتبط با عناصر محدودکننده، و شخصیت آن‌را تابع چگونگی نظم حاکم بین این عناصر می‌دانند. آن‌ها معتقدند آن‌چه نسبت ذهنی فضا و مکان را به نسبت

مفهوم خوانش (تصاویر ذهنی)				
مولفه‌های مکانی	مولفه‌های انسانی			مولفه‌های زمانی
ذهنی - مکانی	ذهنی - ادراکی	ذهنی - رفتاری	ذهنی - عاطفی	ذهنی - زمانی
عملکرد	فیزیولوژیکی	رفتار جمعی	تعلق به مکان	سابقه تاریخی
کالبد	روان‌شناختی	رفتار فردی	تعلق به اجتماع	تجربه فردی
مقیاس				رویداد اجتماعی

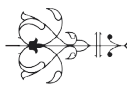
تصویر ۱. مولفه‌های موثر بر مفهوم خوانش از طریق عوامل سازنده تصاویر ذهنی (نظیف و مطلبی ۱۳۹۸، ۷۷)

#### ۴. روش تحقیق

در این مقاله بر اساس ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. منظور از روش تحقیق کیفی، تحلیل محتوای کیفی است که ضمن مطالعه اسناد و آرا صاحب‌نظران به جست‌وجوی پاسخ پژوهش با استفاده از تحلیل‌های معمارانه پرداخته می‌شود. روش تحقیق از نظر شیوه نگارشی، توصیفی-تحلیلی است؛ چراکه علاوه بر تصویرسازی آن‌چه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت

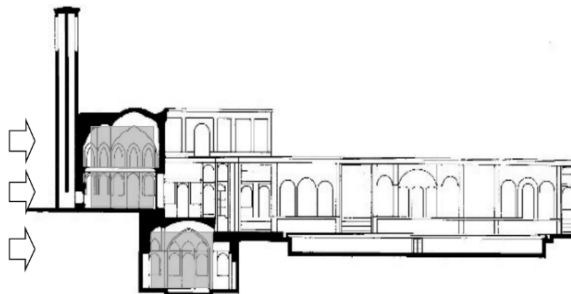
با عنایت به این‌که مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک، به عنوان یکی از اصلی‌ترین و ماندگارترین نمونه از معماری‌های ایرانی است، این تحقیق سعی دارد تا چگونگی بهره‌گیری از نشانه‌شناسی را در معناگرایی این الگوی معماری بررسی نماید. برای تحقق این امر و با تکیه بر مبانی نظری، از طریق تحلیل برقراری ارتباط میان مولفه‌های «مکانی»، «انسانی» و «زمانی» با سطوح «شمایل»، «نمایه» و «نماد» نشانه‌ها در نمونه‌هایی از مسکن اقلیم گرم و خشک اقدام می‌گردد.





تزیینات، و اهمیت و کاربری فضا مشاهده می‌شود که این امر را می‌توان در قالب ساختارهای اجتماعی تحلیل نمود. این عامل بیان‌گر ارتباط «عملکرد» با سطح «شمایل» نشانه است.

بهره‌گیری از تنوع فضایی و عملکردی در سطوح ارتفاعی و عمودی در مسکن گرم و خشک، زمینه‌ساز ادراک محصوریت و به تبع آن، خلوت بوده است. یکی از مظاهر این امر در بهره‌گیری از گودال باغچه تظاهر می‌یابد. این مساله به‌عنوان بیانی از بهره‌گیری «عملکرد» در قالب «نماد» می‌تواند مطرح گردد که درون‌گرایی را تشدید نموده و زمینه‌ساز محصوریت خواهد بود. بهره‌گیری از فضاهای تقسیم افقی مانند فضای هشتی، جهت افزایش محصوریت فضاهای اصلی، نیز نمونه دیگری از این موضوع در سطح است و می‌تواند نمادی از محریمیت را در مسکن تداعی نماید. تصویر ۲ نمایش‌دهنده بهره‌گیری از عامل عملکرد به صورت تنوع فضایی عمودی در قالب نماد محصوریت در خانه ایرانی است.



تصویر ۲. بهره‌گیری از عامل «عملکرد» در قالب «نماد» به صورت تنوع فضایی در ارتفاع و خلق نمادی از محصوریت در برش طولی از خانه بروجردی‌ها (مأخذ: نگارنده)

نحوه طراحی درون‌گرا یا برون‌گرای مسکن بیان‌گر نمایه‌ای از ارتباطات بصری و اجتماعی فضای داخل و بیرون است. بهره‌گیری از «عملکرد» در قالب تعریف روابط فضایی درون‌گرا در مسکن سنتی ایرانی اقلیم گرم و خشک، زمینه‌ساز ادراک خلوت و تمرکز محسوب می‌گردد. بنابراین استفاده از اصول درون‌گرایی در مسکن سنتی به عنوان کاربرد نشانه در قالب سطح «نمایه» و در راستای معنامحوری و تبدیل مسکن به خانه بوده است. توجه به عوامل «سلسله‌مراتب فضایی»، «محریمیت»، «مرکزیت» و «خلوت» به عنوان مولفه‌های اصل درون‌گرایی (شیخ بهایی ۱۳۹۸، ۶۹) و پرداختن به آن‌ها

مساله می‌پردازد.

تحلیل محتوا، نوعی از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است (میرجانی ۱۳۸۹، ۳۹) که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌دار انجام می‌شود و در پی تجزیه و تحلیل و توصیف مطالب خواهد بود. در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی در قالب بررسی نمونه‌های کاربردی در طراحی مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک صورت گرفته است. روش تحلیل داده‌ها براساس استخراج وضعیت انطباق‌پذیری سطوح نشانه، شامل «نمایه»، «نماد» و «شمایل» در نمونه‌هایی از مسکن‌های سنتی شهر کاشان با مولفه‌های «مکانی»، «انسانی» و «زمانی» موثر بر ادراک است. انتخاب مسکن‌های مورد بررسی، براساس غنای فضایی و کالبدی و نیز دارا بودن طرح‌هایی که در آن‌ها موارد انطباق سطوح نشانه با مولفه‌های موثر بر ادراک مشاهده می‌شود، صورت گرفته است. محقق درصدد آن است تا نمونه‌های مورد مطالعه، از ویژگی‌های مشترک اغلب مسکن‌های سنتی به جا مانده در اقلیم مذکور بهره‌مند باشد.

## ۵. بحث

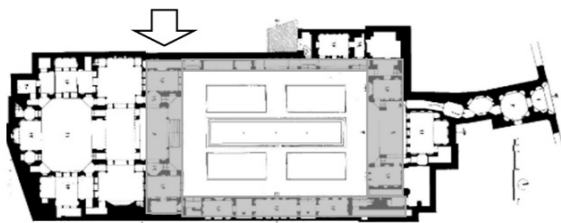
در راستای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق، از طریق بیان نمونه‌هایی از مسکن اقلیم گرم و خشک، به چگونگی وضعیت انطباق‌پذیری عوامل «انسانی»، «زمانی» و «مکانی» با سطوح «شمایل»، «نمایه» و «نماد» نشانه پرداخته می‌شود. نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق، مسکن‌های اقلیم گرم و خشک و به ویژه خانه‌های بروجردی‌ها، عامری‌ها و طباطبایی‌های شهر کاشان انتخاب گردیده که دلیل آن، غنای فضایی و کالبدی این مسکن‌ها است.

### ۱-۵. تحلیل چگونگی انطباق سطوح نشانه با عوامل مکانی موثر بر ادراک در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک

مطابق با تصویر ۱، «عملکرد»، «کالبد»، و «مقیاس» به‌عنوان عوامل مکانی موثر بر خوانش ذهنی مطرح است. بنابراین برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق، باید نحوه ارتباط و انطباق‌پذیری مولفه‌های «عملکرد»، «کالبد»، و «مقیاس» با سطوح «شمایل»، «نمایه»، و «نماد» در مسکن سنتی ایران، تحلیل گردد. در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک، ارتباطی میان میزان و کیفیت



دیگر کالبد آن به عنوان عاملی در تعدیل هوا و بهبود عملکرد اقلیمی مسکن نیز نقش دارد و بنابراین می‌تواند در راستای ادراک و عملکرد، تامین کننده اهداف طراح باشد. نمایش فضای ایوان در پلان و بخشی از برش خانه بروجردی‌های کاشان در تصویرهای ۴ و ۵، آمده است.



تصویر ۴. پلان خانه بروجردی‌های کاشان (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۵. برش خانه بروجردی‌های کاشان (مأخذ: نگارنده)

بسیاری از کالدهای شاخص در معماری‌های سنتی مسکن ایران، به‌عنوان نمادی از خانه محسوب می‌گردند. به طور مثال عنصر بادگیر می‌تواند نمادی فرهنگی از مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک باشد. بنابراین بهره‌گیری از معنای مسکن در قالب کاربرد «کالبد» به صورت «نماد» به عنوان سطح عمیقی از نشانه امکان‌پذیر است. با وجود پیدایش معماری مدرن و کم‌رنگ شدن هویت در ساختار و کالبد مسکن معاصر، بهره‌گیری از عناصر و الگوهای هویت‌ساز بومی گذشته و استفاده از آن‌ها در معماری امروز به شکل نوین می‌تواند در زمینه حس تعلق به مسکن و فضای شهری گامی موثر محسوب شود (میرسجادی و فرکیش ۱۳۹۵، ۷۲). از آنجایی که طبق تحلیل‌های این تحقیق در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک، تبیین نشانه از طریق عامل «کالبد» در قالب سطوح «شمایل»، «نمایه» و «نماد» مشاهده می‌گردد؛ بهره‌گیری از این الگوها در طراحی معماری مسکن معاصر

گامی در راستای بهره‌گیری از نشانه به صورت «نمایه» می‌تواند احیای معنای خانه را به همراه داشته باشد. بنابراین با توجه به تحلیل‌های بیان شده می‌توان ادعان داشت که در طراحی مسکن ایرانی مناطق گرم و خشک، بهره‌گیری از نشانه در سطوح «شمایل»، «نمایه» و «نماد» برای بیان «عملکرد» به‌عنوان یکی از مولفه‌های مکانی موثر بر ادراک، مشاهده می‌گردد.

عامل «کالبد»، به‌عنوان دیگر مولفه موثر بر ادراک است که در این بخش سعی می‌گردد؛ به تحلیل ارتباط سطوح نشانه با آن پرداخته شود. ستون، یکی از کالدهایی است که در برخی از مسکن‌های اقلیم گرم و خشک، مشاهده می‌گردد که یکی از کاربردهای آن در نما عمدتاً، ایجاد حس دعوت و بیان اهمیت و شکوه فضا و غنابخشی به نما است. بنابراین می‌توان ادعان داشت که بعضاً ستون، به‌عنوان کالبدی در مسکن ایرانی می‌تواند مطرح گردد که بیانگر شمایی از نشانه دعوت‌کنندگی است. تصویر ۳ نقش ستون در نمای داخلی خانه طباطبایی‌های کاشان را نشان می‌دهد.



تصویر ۳. نمای داخلی خانه طباطبایی‌های کاشان (مأخذ: اعتمادی پور ۱۳۹۰)

بهره‌گیری از «کالبد» در قالب «نمایه»، به‌عنوان سطحی از نشانه در معماری مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک مشاهده می‌گردد. فضای ایوان به‌عنوان ارتباط‌دهنده فضای درون و بیرون یکی از فضاهای مشترک در بسیاری از مسکن‌های سنتی اقلیم گرم و خشک است که می‌تواند نمونه‌ای از بهره‌گیری عامل کالبد به صورت نمایه محسوب گردد؛ چراکه ایوان علاوه بر ایجاد تنوع و غنابخشی فضایی، با کالبد خود به ادراک مفهوم گذر و افزایش قابلیت خوانایی فضایی کمک می‌نماید؛ و از سوی





تصویر ۷. بخشی از برش خانه بروجردی‌های کاشان (مأخذ: نگارنده)

به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان به طراحی خاص و خلاقانه بادگیر خانه بروجردی‌ها که از نظر مقیاس نیز با نمونه‌های مشابه متفاوت است؛ اشاره نمود که در تصویر ۸ نمایش داده شده است. بنابراین بهره‌گیری از عامل مکانی «مقیاس» در راستای «نمادپردازی» مسکن امکان‌پذیر است.



تصویر ۸. بادگیر عظیم خانه بروجردی‌های کاشان (مأخذ: اعتمادی پور ۱۳۹۰)

## ۲-۵. تحلیل چگونگی انطباق سطوح نشانه با عوامل زمانی موثر بر ادراک در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک

مطابق با تصویر ۱، مفاهیم «سابقه تاریخی»، «تجربه فردی»، و «رویداد اجتماعی» به‌عنوان عوامل زمانی موثر بر خوانش ذهنی معانی شناسایی شده است. بهره‌گیری از عامل «سابقه تاریخی» عموماً در قالب سطوح «شمایل» نشانه امکان‌پذیر است. مسکن در طول تاریخ، با توجه به فرهنگ و بستر جامعه، می‌تواند با تعاریف خاصی میان مخاطبان شکل گیرد که کاربرد ویژگی‌های شمالی کالبدی و فضایی آن می‌تواند تداعی‌کننده نشانه‌ها در سطح «شمایل» باشد. به‌طور مثال، الگوی حیاط مرکزی

می‌تواند در جهت تقویت حوزه معنا مورد بهره‌گیری واقع شود.

کاربرد عامل «مقیاس» نیز در قالب سطوح «شمایل»، «نمایه» و «نماد» نشانه در طراحی مسکن اقلیم گرم و خشک قابل مشاهده است. بهره‌گیری از کالدها برای تعریف فضاهای نیمه‌بسته مانند رواق‌ها یا طاق‌ها با مقیاس بزرگ‌تر از سایر بدنه بنا، در غنا بخشیدن به نماهای داخلی بسیاری از مسکن‌های سنتی اقلیم مذکور نقش داشته است. این تغییر مقیاس به‌عنوان نشانه‌ای برای اهمیت فضایی و افزایش قابلیت خوانش فضایی برای مخاطب مسکن محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان بهره‌گیری از عامل مکانی «مقیاس» در نشانه‌پردازی مسکن و در سطح «شمایل» را در نماهای داخلی خانه‌های سنتی اقلیم گرم و خشک مشاهده نمود که عمدتاً از تغییر مقیاس‌ها سطحی در کالبد مسکن نشات می‌گیرد. در تصویر ۶ از عامل تغییر مقیاس ایوان جهت تأکید فضایی و نمایش اهمیت عملکرد فضا در خانه عامری‌های کاشان استفاده شده است.



تصویر ۶ خانه عامری‌های کاشان (مأخذ: اعتمادی پور ۱۳۹۰)

بهره‌گیری از عامل «تغییر مقیاس فضایی» در بسیاری از مسکن‌های سنتی اقلیم گرم و خشک ملاحظه می‌گردد که نشانه اهمیت عملکردی و معنایی فضا است که می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از بهره‌گیری نشانه در سطح «نمایه» در طراحی مسکن‌های سنتی لحاظ شود. افزایش مقیاس فضای اصلی نسبت به سایر فضاها در خانه بروجردی‌ها که در تصویر ۷ نشان داده شده است؛ نمونه‌ای از بهره‌گیری از نمایه در راستای خوانش عملکرد فضا است.



### ۳-۵. تحلیل چگونگی انطباق سطوح نشانه با عوامل انسانی موثر بر ادراک در مسکن اقلیم گرم و خشک

براساس تصویر ۱، عوامل «فیزیولوژیک ذهنی- ادراکی انسان»، «روان‌شناختی ذهنی- ادراکی انسان»، «رفتارهای فردی و جمعی» و نیز «تعلق به مکان و اجتماع» به‌عنوان عوامل انسانی موثر بر ادراک مطرح می‌گردند. پیرامون تاثیر عامل «فیزیولوژیک ذهنی- ادراکی انسان» در قالب نشانه در مسکن سنتی، ابتدا باید به شناخت مولفه‌های فیزیولوژیک ذهنی- ادراکی پرداخته شود.

از آن‌جایی که به سبب تفاوت‌های ادراکی متأثر از ذهن، جنسیت، سطوح طبقاتی، قومیتی و اجتماعی و نیازهای افراد، نقشه‌های شناختی متفاوتی در ذهن اشخاص شکل می‌گیرد؛ بنابراین توجه به ارزش‌های انسان در طراحی، یکی از شروط توجه به عامل «فیزیولوژیک ذهنی- ادراکی انسان» محسوب می‌گردد. این امر را می‌توان به وضوح در مسکن اقلیم گرم و خشک ملاحظه نمود. درونگرایی، به‌عنوان یکی از اصول معماری این اقلیم، خود نشان‌گر توجه به ارزش‌های فرهنگی در طراحی است که در قالب کالبد مسکن ظهور یافته است. بنابراین می‌توان اذعان داشت که عامل «فیزیولوژیک ذهنی- ادراکی انسان» در قالب سطوح «شمایل» نشانه در این معماری مشهود است.

مولفه روان‌شناختی به‌عنوان فیلتر یا محدودکننده انسانی در ثبت تصاویر ذهنی، به شناخت و ارزش‌گذاری تصاویر ذهنی از محیط می‌پردازد. رنگ، یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر روان انسان است که به‌کارگیری از آن با توجه به زمینه و بستر زندگی مخاطب می‌تواند تاثیر قابل توجهی در احساس رضایت و آرامش او داشته باشد. توجه به عامل رنگ، یکی از نمونه‌های به‌کارگیری عامل روان‌شناختی در سطح «شمایل» نشانه است. عامل رنگ، هم‌زمان می‌تواند در برخی معماری‌های بومی و اقلیمی جنبه «نماد» نیز به خود بگیرد. به‌عنوان مثال می‌توان به رنگ کاه‌گلی خانه‌های سنتی در منطقه گرم و خشک اشاره نمود که می‌تواند به‌عنوان نماد مسکن بومی در این اقلیم مطرح شود. بنابراین بهره‌گیری از عامل «روان‌شناختی ذهنی- ادراکی انسان» در قالب سطوح «شمایل» و «نماد» در معماری این اقلیم مشهود است. طراحی مسکن براساس انطباق با شاخصه‌های موثر بر رفتارهای فردی و جمعی مخاطبان، می‌تواند در قالب طراحی روابط فضایی و با بهره‌گیری از قالب «نمایه»

و درون‌گرایی اقلیم گرم و خشک تداعی‌کننده مفهوم خانه در مناطق مرکزی ایران، به‌عنوان «سابقه تاریخی» مفهوم سکونت محسوب می‌شود.

عامل زمانی «تجربه فردی» عمدتاً در قالب سطوح «شمایل» و «نمایه» نشانه در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک قابل مشاهده است. کاربرد سابقه ادراک مخاطب از زندگی در مسکن گذشته و یا به عبارت دیگر بهره‌گیری از تجربه فردی آن‌ها از مسکن، در تعریف و طراحی مسکن جدید می‌تواند موثر باشد. این امر منجر به ادراک بهتر و احساس رضایت بیشتر، نسبت به محل زندگی مخاطب خواهد شد. به‌طور مثال، بهره‌گیری از روابط فضایی مطابق با تجربه فردی مسکن پیشین یا همان فرهنگ بستر مسکن، زمینه‌ساز معناداری اثر از دید مخاطب و کاربرد «نمایه» در طرح خواهد بود. انطباق کالبد و «شمایل» مسکن با «تجربه فردی» مخاطب، مانند نحوه بهره‌گیری از مصالح، رنگ و یا میزان پوشش گیاهی در مسکن می‌تواند بر ادراک مخاطب تاثیر گذار باشد.

عامل زمانی «رویداد اجتماعی» عمدتاً در قالب «شمایل» و «نماد» نشانه در مسکن اقلیم گرم و خشک مشهود است. انسان‌ها متناسب با طول مدت تعامل خود با محیط و در قالب تعامل با دیگران در رویدادهای اجتماعی، تصویری ذهنی- زمانی برای خود می‌سازند که به نوعی دربرگیرنده خاطرات جمعی افراد و یا سابقه و تاریخ یک مکان از طریق منابع مکتوب و شنیداری است. این تصاویر زمانی، زمینه احساس تعلق افراد به مکان را از طریق یادآوری خاطرات آن‌ها و همچنین تعلق به اجتماع که تصاویر ذهنی زمانی مشترکی با آن‌ها دارد؛ فراهم می‌آورد (Kress, Leeuwen, ۱۹۹۶, ۲۳).

از نمونه‌های کاربرد «شمایل» و «نماد» در خوانش رویدادهای اجتماعی، بهره‌گیری از نقوش و یا عناصر کالبدی تاریخی در بدنه مسکن است که یادآور رویدادهای اجتماعی است که خاطرات جمعی را میان مخاطبان تداعی می‌نماید. شاید بتوان، بهره‌گیری از نقوش اسلامی در تزئینات مسکن‌های ایرانی را که یادآور مذهب مشترک میان غالب ایرانیان است؛ در زمره کاربرد هم‌زمان «شمایل» و «نماد» به‌عنوان نشانه‌ای از عامل «رویداد اجتماعی» موثر بر ادراک به‌شمار آورد.







مخاطبان، یکی از شروط توجه به معنا در طراحی مسکن خواهد بود. عملکرد و ارتباطات فضایی نیز خود به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر آسایش مخاطبان، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت ذهنی-عاطفی و حس تعلق به مسکن ایفا خواهد کرد. بر این اساس در راستای زمینه‌سازی ایجاد حس تعلق به مکان و اجتماع در مسکن می‌توان عمدتاً از سطوح شمایل و نماد بهره‌گیری نمود؛ چراکه در جهت القای حس تسکین که ماهیت مسکن است، عوامل کالبدی و فضایی و عملکردی در قالب شمایل و نماد، امکان‌پذیر و موثر خواهد بود.

## ۶. یافته‌ها

نتایج تحلیل‌های صورت گرفته از وضعیت انطباق‌پذیری مولفه‌های موثر بر خوانش ذهنی با سطوح نشانه در قالب جدول ۲ گردآوری شده است. بر این اساس در نمونه‌های منتخب مسکن‌های سنتی اقلیم گرم و خشک اگر نمونه‌ای از ارتباط میان سطوح نشانه و عوامل موثر بر خوانش ذهنی قابل تحلیل باشد؛ در تحلیل‌ها آورده شده و در این جدول به صورت خانه رنگی در آمده است.

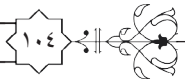
در نشانه‌شناسی تحقق یابد. این امر به صورت تقسیم حوزه‌های فردی و جمعی روابط فضایی و نیز ترجمه آن به زبان طراحی به صورت ایجاد فضاهای مکث در مشاعات قابل تعریف و اجرا خواهد بود که این امر را می‌توان در تقسیم‌بندی فضایی مسکن اقلیم گرم و خشک مشاهده نمود. جداسازی فضای هشتی از اندرونی، جهت ارتباط اجتماعی از آن‌جا که در جهت تقویت درونگرایی و نیز عملکرد پاسخ‌گویی به روابط جمعی است؛ به‌عنوان نمایه‌ای از عامل انسانی «رفتارهای فردی و جمعی» مطرح می‌گردد. از سویی دیگر خانه‌های حیاط مرکزی ایرانی به‌عنوان یکی از نمادهای الگوهای درون‌گرایی رفتاری با اجتماع، خود پاسخ‌گویی به رفتارهای فردی و جمعی را مطابق با زندگی سنتی تأمین می‌نماید. بنابراین عامل «رفتارهای فردی و جمعی انسان» عمدتاً در قالب سطوح «نمایه» و «نماد» نشانه قابل مشاهده در معماری مسکن ایرانی می‌تواند محسوب گردد.

با مراجعه به تصویر ۱ احساس «تعلق به مکان و اجتماع»، به‌عنوان یکی از عوامل و شاخصه‌های ذهنی-عاطفی انسان است که تأثیر قابل توجهی بر احساس رضایت از محیط و مسکن دارد. بنابراین انطباق طراحی کالبدی و فضایی مسکن با عوامل ذهنی و عاطفی شخصی

جدول ۲. چگونگی انطباق مولفه‌های موثر بر خوانش ذهنی مخاطبان و سطوح نشانه (منبع: نگارنده)

سطوح نشانه	مولفه‌های موثر بر خوانش ذهنی مخاطبان									
	مولفه‌های انسانی				مولفه‌های زمانی			مولفه‌های مکانی		
	تعلق به مکان و اجتماع	رفتارهای فردی و جمعی	عوامل روان‌شناختی	عوامل فیزیولوژیکی	رویداد اجتماعی	تجربه فردی	سابقه تاریخی	مقیاس	کالبد	عملکرد
شمایل										
نمایه										
نماد										





راه‌گشای معنامحوری و هویت‌مداری در طراحی‌های مسکن امروز باشد.

#### ۷. نتیجه‌گیری

براساس نتایج بدست آمده، بهره‌گیری از سطوح مختلف نشانه، شامل «شمایل»، «نمایه» و «نماد» در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک مشاهده می‌شود. این بدان معناست که در نمونه‌های مورد مطالعه، انطباق میان مولفه‌های مکانی، انسانی و زمانی با سطوح نشانه اثبات می‌گردد. لازم به ذکر است که سعی بر آن بوده تا مولفه‌هایی از مسکن‌های مورد تحلیل انتخاب شود که در میان اکثر مسکن‌های سنتی اقلیم گرم و خشک مشترک باشد. بنابر نتایج تحقیق یکی از راهکارهای موثر در طراحی مسکن معنامحور، بهره‌گیری طراحان معاصر از ریزمولفه‌های «عملکرد»، «کالبد»، «مقیاس»، «سابقه تاریخی»، «تجربه فردی»، «رویداد اجتماعی»، «عوامل فیزیولوژیکی و روان‌شناختی»، «رفتارهای فردی و اجتماعی» و نیز توجه به «مولفه‌های موثر بر حس تعلق به مکان و اجتماع» با توجه به شرایط مختلف موضوعات طراحی در قالب سطوح مختلف نشانه در طراحی است.

براساس استنادات نظری و با بهره‌گیری از تحلیل محتوا، فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین بهره‌گیری از سطوح نشانه در معنای معماری مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک نقش داشته است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲، در نمونه‌های مورد بررسی از برخی مسکن‌های اقلیم گرم و خشک، بهره‌گیری از سطوح مختلف نشانه‌شناختی در راستای انطباق با عوامل موثر بر ادراک مخاطبان مشاهده می‌شود. بر این اساس از «شمایل»، «نمایه» و «نماد» به عنوان محملی جهت بیان معانی از طریق انطباق با مولفه‌های «انسانی»، «مکانی» و «زمانی»، متناسب با بستر فرهنگی آن‌ها استفاده شده است. نتایج، انطباق مولفه‌های مکانی را با سطوح «شمایل»، «نمایه» و «نماد» نشان می‌دهد. بیش‌ترین میزان انطباق مولفه‌های زمانی موثر بر خوانش مخاطبان، با سطح «شمایل» نشانه بیان گردید. سطوح «شمایل» و «نماد» نشانه نیز، بیش‌ترین قابلیت انطباق با مولفه‌های انسانی موثر بر خوانش مخاطبان را دارند. بنابراین بهره‌گیری از سطوح مختلف نشانه در راستای انطباق با عوامل موثر بر خوانش ذهنی مخاطبان و با توجه به بستر زمانی، مکانی و انسانی طرح می‌تواند

#### پی‌نوشت

۱. Verbruggen
۲. Tribe
۳. Alston
۴. Rudy
۵. Friedman
۶. Thellefsen
۷. Deely
۸. Alexander
۹. Shariff
۱۰. Najafi
۱۱. Appleyard

#### منابع

۱. اعتمادی‌پور، مرضیه و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. ۱۴۰۰. مدل‌یابی فرآیند ایده‌پردازی در آموزش طراحی معماری با رویکرد نشانه‌شناختی (نمونه موردی: طراحی مسکن)، معماری و شهرسازی ایران، ۱۲(۱)، ۳۵-۲۳.
۲. باقری، سحر و عینی‌فر، علیرضا. ۱۳۹۵. تدقیق و تحدید حوزه شمول و نمود نشانه‌ها در معماری. آرمان‌شهر، ۹(۱۷)، ۱۰-۱.
۳. دباغ، امیر مسعود و مختاباد، سید مصطفی. ۱۳۹۳. تاویل معماری پسامدرن از منظر نشانه‌شناسی. هویت شهر، ۵۵(۷۲)، ۵۹-۲۰.
۴. سخاوت‌دوست، نوشین و البرزی، زیبا. ۱۳۹۷. تأملی بر نشانه‌شناسی فضاهای ورودی خانه‌های دوره قاجار شهر قزوین. هویت شهر، ۳۴(۱۲)، ۷۶-۹۶.
۵. شیخ‌بهایی، امیررضا. ۱۳۹۸. بررسی اصل درونگرایی در مسکن ایرانی بر اساس نظریه نحو فضا (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی



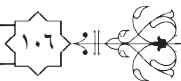


- اقلیم گرم و خشک)، مدیریت شهری، ۵۴، ۶۳-۷۸.
۶. فلاح، محمد صادق و شهیدی، صمد. ۱۳۹۴. نقش مفهوم توده- فضا در تبیین مکان معماری. باغ نظر، ۱۲(۳۵)، ۲۷-۳۸.
۷. فلامکی، محمد منصور و غفاری، علیرضا. ۱۳۹۵. بازتاب نظریه‌های نشانه‌شناسی در خوانش معماری و شهر. مدیریت شهری، ۴۵، ۳۳۹-۳۵۰.
۸. لینچ، کوین. ۱۳۹۳. تئوری شکل شهر (مترجم سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. میرجانی، حمید. ۱۳۸۹. استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش. صفا، ۵۰(۲۰)، ۳۵-۵۰.
۱۰. میرسجادی، امیر و فرکیش، هیرو. ۱۳۹۵. ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تاثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۳(۴)، ۷۲-۹۲.
۱۱. نظیف، حسن و مطلبی، قاسم. ۱۳۹۸. ارائه مدل مفهومی از خوانایی با تکیه بر تصور ذهنی. باغ نظر، ۱۶(۷۸)، ۷۱-۷۸.

## References

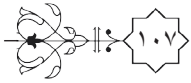
- Alexander, V. N. 2013. Creativity: Self-Referential Mistaking. Not Negating. *Biosemiotics*, 6, 253-272.
- Alston, W. 1967. *Meaning*. New York: Macmillan.
- Appleyard, D. 1969. Why buildings are known. *Environment and behaviour*, 1 (2), 131-156.
- Bagheri, Sahar, & Einifar, Alireza. 2017. A Classification of Semiotics in Architecture: The Delimitation and Clarification of Manifestation and the Inclusion Domain of Semiotics in Architecture. *Armanshahr architecture & urban development*. 9(17). 1-10.
- Dabagh, Amir Masoud, & Mokhtabad, Seyed Mostafa. 2011. Interpretation Of Architecture By Post-modern Foundation with Semiotics Aspect. *Hoviatshahr*. 55(72). 20-59.
- Deely, J.N. 2015. Semiosis and 'meaning as use': The indispensability and insufficiency of subjectivity in the action of signs. *Cultural implications of biosemiotics*, 18(60), 24-37.
- Etemadipour, M., Mahdinejad, J. 2021. The modeling of ideation process in architectural design instruction by semiotic approach (Case study: Residential design). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 12(1), 23-35. doi: 10.30475/isau.2020.190202.1243.
- Falahat, Mohammad Sadegh, & Shahidi, Samad. 2015. The Role of Mass - Space Concept in Explaining the Architectural Place. *Bagh-e Nazar*. 12(35). 27-38.
- Falamaki, Mohammad Mansoor, & Ghafari, Alireza. 2017. Reflection of semiotic theories in the reading of architecture and the city. *Urban Management studies*. 45. 339-350.
- Friedman, A. & Thellefsen, M. 2015. Concept theory and Semiotic in knowledge organization. *Journal of documentation*, 67, 644-674.
- Lynch, Kevin. 2014. *A theory of city form* (Seyed Hossein Bahreini). Tehran: Tehran university press.
- Mirjani, Hamid. 2011. Rational reasoning as a research method. *Soffeh*. 50(20). 35-50.
- Mirsajadee, Amir, & Farkish, hiro. 2017. Recognition of Typology and Effective Physical Factors in Traditional Residential Tissue of Neyshabur. *Journal of Researches in Islamic Architecture*. 13(4). 72-92.
- Nazif, Hasan, & Motalebi, Ghasem. 2019. Developing a Conceptual Model of Legibility Relying on Mental Imagination. *Baghe- Nazar*. 16(78). 71-78.
- Rudy, T. Nathanael, H. Petrus R. K. & Fermanto L. 2019. The Meaning of Means: Semiology in Architecture Case Study: Villa Savoye. *Engineering and Technology*, 10(02), 653-660.
- Shariff, M. Najafi, M. (2011). The concept of place and sense of place in architectural studies. *International journal of humanities and social sciences*, 5(8), 1054- 1060.





17. Sekhavat doust, Nooshin, Alborzi, Ziba. 2018. Contemplation on Semiotics of Qazvin Houses Entrance of During the Qajar Era from Aspects Ferdinand de Saussure, Charles Sanders Peirce and Umberto Eco. *Hoviatshahr*. 34(12). 76-96.
18. Sheikh Bahaei, Amir Reza. 2020. Investigating the principle of introversion in Iranian housing based on the theory of space syntax. *Modiriat-e-Shahri*. 54. 63-78.
19. Tribe, M. 1974. *Stadtgestaltung Theorie Und Praxis*, English: Bertelsmann.
20. Verbruggen, S. 2014. Poesis or Semiosis in Architectural Design Practice, *Architecture & Education Journal*, 11, 225-240.





**Semantic analysis of traditional Persian residential architecture with an emphasis on the role of signs (Case study: Traditional houses in hot-dry climate)**

**Marzieh Etemadipour \***

Phd in architecture, Shahid Rajaee teacher training university,  
Architecture department .

Received: 22/11/2021

Accepted: 8/4/2021

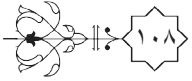
### Abstract

**Statement of Problem:** To improve the identity of residential architecture, it is required to enhance the semantic dimensions in the design. To do this, the principles of traditional residential architecture in hot-dry climates, as one of the richest physical-spatial models for Iranian houses, must be applied. On the other hand, one of the best strategies for giving meaning to works is to use signs by examining users' mental image. However, nowadays, semantic concepts such as users' perception or mental image are less considered or ignored in the residential architecture due to factors such as economy or superficiality in design. This is due to the ignorance of the user-environment relationship at the educational and executive levels of design. Therefore, there is a need for finding a practical approach to semantics by extracting the signs existing in traditional houses. To meet this need, the present study seeks to answer the question «What is the role of signs in the semantic aspects of traditional Persian houses in hot-dry climate?» Since the use of successful traditional architectural models is another way for enhancing the identity of residential architecture, it seems necessary to find and use them in contemporary housing in accordance with the current situation. The research background mainly focuses on finding physical patterns or semantic principles in Iranian houses from non-semiotic perspectives, so obviously, there is a need for research on the extraction of patterns using semiotics to match the design with the users' reading.

**Research aim:** The design performed «only to satisfy the building function», cannot meet such affairs as identity. So, it must meet the perceptual needs to manifest identity in architecture, and this will be possibly achieved if the design is performed through a semantic process. To this end, the present research seeks to find out how the categories of signs match with the components affecting mental image in traditional houses in the hot-dry climate. Since the present study looks for the effect of signs on meaning in traditional housing design, «sign» is an independent variable, and «meaning in housing design» is a dependent variable. Accordingly, the research hypothesis is as follows: «Using the categories of signs has played a role in the meaning of traditional residential architecture in the hot-dry climate». The present study aims to extract the principles of semantics from the semiotic perspective to use in contemporary residential architecture to pay more attention to the identity and semantic dimensions of today's living environments.

**Research Method:** the present research is a qualitative study in which applied examples of traditional residential architecture in the hot-dry climate are studied using «document mining» and «qualitative content analysis». In the «data analysis» section, the matching of the components affecting the mental image with the categories of signs is evaluated by examining the examples of traditional Persian houses in the hot-dry climate. Accordingly, the relationships between the categories of signs, including «index», «symbol», and «icon», and the «spatial», «human» and «temporal» components affecting mental image are analysed. It should be noted that the case studies are selected based on two criteria: ١. having spatial and physical richness, and ٢. having a design in which one can observe the matching of the categories of signs with the

\* marzieh.etemadipour@sru.ac.ir



components affecting perception. The authors attempt to select those cases having the features observed in most of the traditional Persian houses in the hot-arid climate. In the selected samples of traditional Persian houses in the hot-dry climate, any analysable relationship between the categories of signs and factors affecting mental image is analysed. It should be noted that it was attempted to select those components common to most traditional houses in the hot-dry climate.

**Conclusion:** The results indicate that in traditional houses in the hot-dry climate, «icon», «index», and «symbol» have been used as a means to express meanings by being matched with human, environmental and temporal components affecting users' mental image in accordance with their cultural context. Moreover, the results show the matching of the environmental components with the categories of «icon», «index» and «symbol». The temporal components affecting the users' reading show their highest degree of matching with the category of «icon». The «icon» and «symbol» categories also have the highest degree of matching with the human components affecting the users' reading. Therefore, one of the effective strategies for providing a semantic-oriented residential design is to use the components of «function», «body», «scale», «historical background», «individual experience», «social event», «physiological and psychological factors», «individual and social behaviours» of users and also attention to «components affecting the sense of belonging to place and community» in the form of different categories of signs in the design. Therefore, using different categories of signs, which match with the factors affecting the users' mental image, considering the temporal, spatial and human context of the design can be a way to consider meaning and identity in today's housing designs.

Keywords: Kashan traditional housing, sign, icon, index, symbol.

